

عنوان مقاله:

معرفی منظومه‌های قضا و قدر فارسی و تحلیل آنها از منظر روایی

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 11، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

یحیی کاردگر - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

اعظم بابائی - دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

بحث درباره موضوع چالش‌برانگیز «قضا و قدر» همواره در ادبیات فارسی مطرح بوده است، اما به طور خاص تعدادی از شاعران دوره صفویه توجه ویژه‌ای به این موضوع کرده‌اند و مثنوی‌های مستقلی با عنوان «قضا و قدر» سروده‌اند و این مسئله به صورت یک جریان منظومه‌سرایی تا دوره قاجار ادامه داشته است. اغلب این منظومه‌ها به صورت نسخه خطی است. پژوهش حاضر تعدادی از منظومه‌های قضا و قدر و شاعران آنان را معرفی می‌کند و از نظرگاه تحلیل جنبه‌های داستانی، این منظومه‌ها را بررسی و نقد می‌کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که منظومه‌های قضا و قدر با وجود افتراق‌های جزئی، دارای وجوه مشترکی هستند که وحدت ساختاری این آثار را از نظر پردازش داستانی فراهم می‌کند. مؤلفه‌های مشترک روایی این متون عبارتند از: سادگی زبان، وجود یک الگوی ثابت در پیرنگ و نیز در شخصیت‌پردازی، تکرار شخصیت‌های قراردادی و ایستا؛ مبتنی بودن همه منظومه‌ها بر یک مضمون کلیدی؛ ایجاد حوادث خلق‌الساعه و تصادفی و ضعف حقیقت‌مانندی؛ پایان‌بندی غیرمنتظره و تراژیک. بر اساس این پژوهش، شاید بتوان این منظومه‌ها را به عنوان یک نوع ادبی تازه معرفی کرد. حاصل این پژوهش می‌تواند روشن‌کننده بخشی از سیر تحول ادبیات فارسی و جریان‌شناسی ادبی باشد.

کلمات کلیدی:

دوره صفویه، منظومه‌های فارسی، منظومه‌های قضا و قدر، نوع ادبی قضا و قدر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1127406>

